

پنج‌روای به ملکوت

آشنایی با بزرگان سید بن طاووس

ابوالفضل علی‌دوست ابرقویی

در صفحه‌ی «دریچه‌ای به ملکوت» که به معرفی شخصیت‌های عرفانی و علمی و عالمان ربّانی اختصاص دارد، مرحوم «سید بن طاووس» را به عنوان اولین شخصیت انتخاب کردیم.

«سید بن طاووس» از عالمان وارسته و عارفان دانشمندی است که پاکی و طهارت نفس، همراه با اعلیت او مورد اتفاق همه‌ی کسانی است که یا با او هم‌عصر و معاشر بوده، یا در محضرش زانوی شاگردی زده و یا بعدها از طریق آثار علمی و معنوی او به حالات عرفانی و معنوی صاحب اثر پی برده‌اند. (در ادامه‌ی همین نوشتار به نظر برخی از این شخصیت‌ها اشاره خواهیم کرد) سید بن طاووس در روز پنج شنبه، نیمه‌ی ماه محرم پانصد و هشتاد هجری در «حله» متولد شد، در نقلی دیگر در نیمه‌ی محرم الحرام پانصد و هشتاد و نه و به قولی دیگر در پانصد و هشتاد و هفت هجری قمری.

اسم او «علی» است و به خاطر ضرورت تقیه، نام «عبدالمحمود بن داود المصّری» را برای خود برگزیده، در توجیه این انتخاب گفته است: «محمود یکی از اسم‌های خداوند است. تمام مردم نیز بندگان خداوند هستند» (عبدالمحمود).

داوود، یکی از اجداد من است و مضر نیز به آن دلیل که بنی هاشم همگی از بنی مضر می‌باشد. براساس این مطلب، نام «عبدالمحمود بن داوود المصّری» را به عنوان تقیه برای خود برگزیده. اگر چه در تألیفات و حتی قرن‌ها پس از زندگی‌اش عنوان سید همواره او را به اذهان تداعی می‌کند. معروف‌ترین کنیه‌ی او «ابن طاووس» است. در علت این کنیه (ابن طاووس) گفته شده است که یکی از اجداد بزرگوارش به نام «محمد بن اسحاق» بسیار زیبا رو بوده. به همین جهت به طاووس - که در بین پرندگان مظهر زیبایی است - نامیده شده و فرزندانش به ابن طاووس معروف شده‌اند. این عنوان به سید بن طاووس رسیده است.

نسبت سید بن طاووس، به امام حسن مجتبی از ناحیه‌ی پدری و به امام حسین از ناحیه‌ی مادری می‌رسد. دوران کودکی و نوجوانی «سید بن طاووس» در زادگاهش حله گذشت. مراتبی از علم و دانش را در این شهر پیمود، و ظاهراً در چهل سالگی به بغداد مهاجرت نمود. حوزه‌ی علمیه‌ی



«بدان که بدترین معاشرت، آمیزش با گنهکاران است، هر که باشد. خواه از والیان باشد، یا از غیر آن.»

رسیدن به بلوغ و تکلیف را نوعی اجازه‌ی پروردگار به برقراری ارتباط با او قلمداد می‌کنند، با کسانی که رسیدن به بلوغ را آغاز محدودیت‌ها عنوان می‌دارند.

✽ فرزندم!

از دیگر اقدامات سیدبن طاووس سفارش‌هایی است که به فرزند خود دارد. روشن است که سفارش و توصیه‌های افرادی هم‌چون سیدبن طاووس به فرزند، سفارشی به هم‌می‌نسل‌ها و در هم‌می‌عصرهاست. مضمون سفارش‌های آن بزرگ‌مرد الهی، ضرورت معرفت‌خداوند و تأمل و دقت در گفتار مولای پرهیزکاران «حضرت علی (علیه السلام)» و مطالب امام صادق (علیه السلام) است که در باب خلقت عنوان کرده‌اند و در مجموعه‌ای به نام «توحید مفضل» جمع آوری شده است.

تضرع در پیشگاه پروردگار و امید به استجابت دعا و عدم یأس از تأخیر در اجابت خواسته‌ها، از دیگر سفارش‌های او به فرزندش می‌باشد. نکاتی در خصوص نبوت و امامت و مطالبی در خصوص احکام نیز در ضمن مطالبی که به فرزندش گفته است، وجود دارد.

از جمله سفارش‌های آن مرحوم به فرزندش، عدم معاشرت با گنهکاران است. او می‌گوید:

«بدان که بدترین معاشرت، آمیزش با گنهکاران است، هر که باشد. خواه از والیان باشد، یا از غیر آن.»

از دیگر سفارش‌های او به فرزندش ضرورت معرفت به امام عصر (عج)، دعا برای حضرت مهدی و دعا برای برآورده شدن حاجت‌های آن حجت الهی می‌باشد و برای این مهم تا آن مقدار اهمیت قائل است که دعا برای آن حضرت را مقدم بر دعا برای خودش می‌شمارد.

سیدبن طاووس، از جمله عالمان وارسته و عارفانی است که هیچ شک و شبیه در خلوص و طریق عرفانی او وجود ندارد. پاک متولد شد و پاک زیست و همواره مورد تأیید خداوند و اوصیا و اولیای او بود. گویی دستی از غیب، همواره او را هدایت می‌کرد. این عارف عالم در سال شش صد و شصت و چهار هجری قمری چهره در خاک کشید. آرامگاه او در نجف اشرف و در جوار مرقد مطهر مولایش امام علی (علیه السلام) زیارتگاه شیعیان است.

منابع:

سیدبن طاووس در عرصه‌ی علم و عمل «نوشت‌های عبدالعلی محمدی شاه‌رودی»
امام زمان و سیدبن طاووس «نوشت‌های سیدجعفر رفیعی»
گنجینه‌ی وصایا «نوشت‌های سیدمحمد نخوی»

تاریکی در آن راه ندارد. هم‌چنین در برخی از موارد، کرامات و حالات خوش معنوی را که برایش پیش آمده است، را بیان می‌کند. کمالات معنوی سیدبن طاووس را می‌توان مهم‌ترین وجه از شخصیت وی به شمار آورد؛ و البته مهم‌تر از این، عنایات خاصی که از سوی پروردگار متعال و حضرت ولی عصر (عج) به آن بنده‌ی پاک و وارسته ارزانی شده است.

✽ پاسخ منفی به حاکمان باطل

از نکاتی که در زندگی سیدبن طاووس قابل تأمل و توجه است، گرایشی است که حاکمان زمان به وی داشته و در پی آن بوده‌اند که به نحوی او را به دستگاه حکومتی وارد کنند. بدون تردید، هدف آن‌ها از این تلاش، این بوده است که حاکمیت آن‌ها و عمل‌کردشان در نزد مردم - با حضور سیدبن طاووس - مؤجّه و مقبول گردد. بدیهی است که شخصیتی هم‌چون سیدبن طاووس، هرگز حاضر نیست در حاکمیت کسانی که از بیخ و بن باطل‌اند، پای بگذارد و شریک مظالم و ستمگری‌های آن‌ها باشد. نخست مستنصر که از خلفای بنی‌عباس بود، مقام شیخ الاسلامی را به او پیشنهاد کرد، اما سید حاضر به پذیرش این منصب نگردید، زیرا این کار، موجب تحکیم پایه‌های حکومت عباسی می‌گردید. حتی مقام نقابت را - که رسیدگی به امور سادات بود - قابل پیش‌بینی - است که پاسخ منفی به حاکمان قلدر و ستمگر عباسی چه پیامدهایی خواهد داشت. و اگر نبود عنایات خاصی الهی در نگه داشتن سید از شر و بدی حکومت عباسی، معلوم نبود که او چه سرنوشتی پیدا می‌کرد.

✽ از جمله ابتکارات

از جمله ابتکارات سیدبن طاووس که می‌توان آن را بی‌سابقه دانست، آن بود که رسیدن به بلوغ را به عنوان جشنی مهم و مبارک قلمداد می‌نمود، دلیل وی آن است که انسان با رسیدن به سن بلوغ، اجازه‌ی راه‌یابی به محضر پروردگار پیدا می‌کند و تکلیف بر او بار می‌شود.

سیدبن طاووس در ضمن سفارش‌های خود به فرزندش یادآوری می‌شود که هرسال و زمانی که به سالگرد بلوغ می‌رسی، آن را افضل و برترین اوقات خود به حساب بیاور.

به راستی چقدر تفاوت است میان کسانی که

نجف از دیگر مراکزی است که سیدبن طاووس چندی را در آن‌جا به تحصیل اشتغال داشته است.

✽ از بُعد علمی

اگرچه سیدبن طاووس عمدتاً به کسی معروف و مشهور است که به توفیق الهی و توجهات ولی عصر (عج) پلکانی از مراتب معنویت را طی کرده؛ اما از لحاظ علمی نیز در محافل علمی درمیان صاحبان رأی و نظر، مقامی والا به خود اختصاص داده است. به طوری که تا شصت اثر کتبی به وی انتساب داده‌اند. متأسفانه بسیاری از آثار این عالم ربّانی درگذر زمان از بین رفته‌اند. از جمله ویژگی‌های تألیفات سیدبن طاووس عنایت خاصی است که از ناحیه‌ی پروردگار به آن‌ها شده است.

مرحوم حاج آقا بزرگ‌تهرانی در خصوص یکی از تألیفات سید می‌گوید: «... کتاب... الحق اسمی است که از آسمان نازل شده... این کتاب با (حجم) کوچکی که دارد، بر کتاب‌های بزرگ که در اخلاق سیر و سلوک نوشته شده است، فضیلت و برتری دارد.»

✽ از منظر دیگران

مرحوم علامه بحر العلوم - که خود از اوتاد و ستون‌های علم و معنویت و از شاگردان برجسته‌ی سید است - در خصوص مقام معنوی او می‌گوید: «ورضی الدین علی - که رحمت خدا بر او باد - دارای کراماتی بود که برخی از آن‌ها را خودش برای من بیان کرد و پاره‌ای از آن‌ها را پدرم بازگو کرد و من از او شنیدم.»

مرحوم علامه مجلسی پارساتراز سیدبن طاووس سراغ ندارد. او می‌گوید: «سیدبن طاووس صاحب کرامات و مقاماتی بوده و در اصحابمان عابدتر و اورع (پارساتراز) از او یافت نمی‌شود.

✽ از بُعد معنوی

سیدبن طاووس به دلیل مبارزات طولانی با نفس و به لطف و عنایت خداوند، به مراتب بالایی از کمال و معرفت نایل شده و کرامات عدیده‌ای از آن مرد بزرگ صادر گردیده است اگرچه آن مرد الهی همواره در صدد کتمان این مقامات و کرامات بوده است، اما به منظور بیان برخی از واقعیت‌های معتبر و به عنوان الگو مواردی را از خود مطرح می‌کند. از جمله گفته است که از نعمت‌های خداوند بر من معرفت الهی است، به طوری که خطر اشتباه و